

A Critique and Analysis of Jurisprudential References to Verses 3 and 129 of Surah An-Nisa As to Justice Among Spouses

Mohaddese Moghimi Nejad Davarani¹

DOI:

10.30497/flj.2025.246697.2051



Abstract

Although the principle of justice among spouses is a mandatory obligation in the Islamic religion, its specific boundaries are subject to debate. Verses 3 and 129 of Surah An-Nisa, which address the issue of polygyny and justice among women, constitute a part of the Shia jurists' evidence on this matter. Given the fundamental role of the Quran as a source of Islamic law and the inadequacies of some jurists' arguments based on these verses, the present study employs a descriptive-analytical method to critique and analyze these references. The findings indicate that verse 3 emphasizes the necessity of providing mandatory alimony for all wives, while verse 129 prohibits disregarding women's emotional and sexual needs. Some jurists' arguments that verse 3 supports the desirability of equal distribution of alimony among wives or linking this verse to the obligation of equal division of nights are subject to criticism. Furthermore, the argument of some jurists that verse 129 does not necessitate equality in alimony or the right of nights, or even in heartfelt affection, is not acceptable.

Keywords: justice among spouses, polygyny, surah An-Nisa, Shia jurisprudence, husband's duties, women's rights.

1. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Hazrat-e Narjes, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Iran. m.moghimi@vru.ac.ir

نقد و بررسی استنادات فقهی به آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء در موضوع عدالت میان همسران

محدثه مقیمی نژاد داورانی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

Doi: 10.30497/flj.2025.246697.2051

چکیده

رعایت عدالت میان همسران، از واجبات دین مبین اسلام است که تعیین حدود آن محل گفت‌وگوست. آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء که در موضوع چندهمسری و عدالت میان زنان نازل شده است، بخشی از مستندات فقهی شیعه را در این موضوع تشکیل می‌دهد. با توجه به نقش اساسی قرآن کریم به عنوان منبع شریعت ازسویی، و ناتمام بودن استدلال برخی از فقها به آیات فوق ازسویی دیگر، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به نقد و بررسی این استنادات می‌پردازد. نتایج بررسی حاکی از دلالت آیه ۳ بر لزوم پرداخت حق نفقه واجب همه زنان و دلالت آیه ۱۲۹ بر نهی از بلا تکلیف رهاکردن زنان در جنبه‌های عاطفی و جنسی است. استناد برخی از فقها به آیه ۳ در اثبات استحباب رعایت مساوات در نفقه یا ارتباط دادن این آیه به حق قسم قابل نقد است. همچنین استناد برخی از ایشان به آیه ۱۲۹ در اثبات عدم لزوم رعایت مساوات در نفقه و حق قسم، یا عدم لزوم رعایت مساوات در محبت قلبی پذیرفتنی نیست.

کلیدواژه‌ها

عدالت میان همسران، تعدد زوجات، چندهمسری، سوره نساء، فقه شیعه، وظایف مرد، حقوق زن.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه حضرت ولی عصر، رفسنجان، ایران. m.moghimi@vru.ac.ir

مقدمه

عقد ازدواج دائم وظایف متعددی را در ابعاد فقهی و اخلاقی برای مردان و زنان ایجاب می‌کند. سرپرستی زنان (نساء، ۳۴)، پرداخت نفقه (نساء/۳۴)، مهریه (نساء، ۲۴-۲۵)، برآوردن نیازهای جنسی (بقره/۲۳۱)، و حسن معاشرت با زنان (نساء/۱۹)، از مهم‌ترین وظایف مردان درقبال همسرانشان است که در قرآن کریم بدان تصریح شده است.

رعایت حقوق زنان در آنجا که مرد چند همسر دارد، اهمیت بیشتری می‌یابد. براساس نص قرآن کریم مردان مجازند حداکثر چهار همسر اختیار کنند.^۱ مردی که بیش از یک همسر اختیار می‌کند، وظیفه‌ای دیگر بر وظایف او در برابر همسرانش افزوده می‌شود: «عدالت بین همسران». در دو آیه از آیات قرآن کریم، موضوع عدالت میان همسران مطرح شده است. در قرآن کریم آمده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ بَدَأَ اللَّهُ إِذَا كُنْتُمْ يَتِيمًا فِي الْأَرْضِ لِتَصِلُوا إِلَىٰ آيَاتِهِ الْيَتِيمَ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ آلِفًا لَكُمْ وَإِن كُنْتُمْ عِدْلًا حَسُنَ آلِفًا لَكُمْ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ آلِفًا لَكُمْ وَإِن كُنْتُمْ عِدْلًا حَسُنَ آلِفًا لَكُمْ» (نساء، ۳)؛ یعنی: «و اگر بترسید که مبدا درباره یتیمان (ازدواج با دختران یتیم) عدل را مراعات نکنید، پس آن کس از زنان را به نکاح خود درآورید که شما را نیکو (و مناسب با عدالت) است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که (چون زنان متعدد گیرید) راه عدالت نیموده، به آن‌ها ستم می‌کنید، پس تنها یک زن اختیار کنید و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفاء کنید، که این به عدالت و ترک ستمکاری نزدیک‌تر است». در جای دیگر آمده است: «وَلَكِنْ تَسْتَضِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء، ۱۲۹)؛ یعنی: «و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید هر چند [بر عدالت] حریص باشید. پس به یک‌طرف یکسره تمایل نورزید تا آن [زن دیگر] را سرگشته [بلا تکلیف] رها

۱. ناگفته پیداست جایز مردن چند همسری مردان، همچون دیگر احکام الهی مصالحی دارد که در صورت رعایت صحیح حدود و شروط آن، محقق می‌شود؛ در هر صورت، با توجه به اهمیت رضایتمندی زوجین از زندگی مشترک، در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، پیش‌بینی‌هایی برای جلوگیری از ازدواج مجدد مردان بدون رضایت همسر اول وجود دارد که پرداختن به آن خارج از حیطه این نوشتار است.

کنید و اگر سازش کنید و پرهیزگاری کنید، یقیناً خدا آمرزنده مهربان است». درک مصداق عدالت در این دو آیه، نیازمند دقت در سیاق، سبب نزول و روایات تفسیری مرتبط است. افزون بر قرآن کریم، در روایات نیز به موضوع عدالت میان همسران توجه شده است. آنچه از روایات برداشت می‌شود، آن است که رعایت عدالت بین همسران درباره دو حق زنان یعنی تقسیم شب‌ها و پرداخت نفقه قابل طرح است و در این میان، به تقسیم شب‌ها بیشتر توجه شده است (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۴۱۸).

نظر به جایگاه اساسی روایات در دانش فقه، در بسیاری از کتب فقهی باب جداگانه‌ای با عنوان «قسم» وجود دارد که فروعاً متعددی ذیل آن مطرح شده است. «قسم» مصدر فعل «قسمت الشیء فانقسم» است و به معنای تقسیم زمان بین همسران است (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۲۵۰). دیدگاه غالب آن است که مردی که چند همسر دارد، موظف است از هر چهار شب، یک شب را نزد هر یک از همسرانش بیتوته کند (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۲۵۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۲۱۶؛ ابن براج، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۲۵). فروعاً متعددی ذیل موضوع حق قسم مطرح شده است که مورد گفت‌وگوی علما است. برخی از این فروعاً عبارت است از:

الف - حق مضاجعت (همبستری) جزء حق قسم است یا نه؟

ب - آیا یک زوجه هم دارای حق قسم است یا خیر؟

ج - آیا شروع حق قسم با قرعه بین همسران تعیین می‌شود یا خیر؟ (حلی، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۲۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۴، ص ۷۵۵۳؛ قادری، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۶، ص ۱۳۱)؛

د - آیا حق قسم بلافاصله پس از عقد به وجود می‌آید یا شرط آن شروع بیتوته نزد یکی از همسران است؟ (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۴، ص ۷۴۹۸).

غیر از حق قسم، در آراء فقهی، به چگونگی عدالت میان همسران در پرداخت نفقه نیز توجه شده است (نراقی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۳۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۴، ص ۷۵۲۶).

غالب مستندات فقها در تبیین مفهوم و مصداق عدالت، روایات هستند؛ اما برخی از فقها، برای مستند کردن فتاوی خود علاوه بر روایات، به آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء نیز استناد کرده‌اند. بررسی دیدگاه‌های فقهای شیعه درباره آیات فوق، تفاوت‌هایی را در نحوه استناد آنان به این آیات نشان می‌دهد که بعضاً قابل نقدند. نظر به جایگاه رفیع قرآن کریم در استنادات فقهی، در این مقاله برآنیم به نقد و بررسی دیدگاه فقهای شیعه در استناد به این آیات، بپردازیم.

ظاهر الفاظ این دو آیه چه آیه ۳ که تأکید بر رعایت عدالت دارد، و چه آیه ۱۲۹ که برقراری عدالت یا نوعی از عدالت را غیرممکن دانسته است، هیچ‌یک ارتباطی با حق قسم ندارند. باین‌حال بیشترین استنادات فقها به آیات مذکور در موضوع حق قسم بوده است. هم کسانی که حق قسم را درباره یک زوج نیز قابل طرح دانسته‌اند و هم مخالفانشان، هم کسانی که قائل به لزوم رعایت مساوات در حق قسم بوده‌اند و هم مخالفانشان، به این آیات استناد کرده‌اند. همچنین گرچه آیه ۳ به قرینه سیاق، با موضوع نفقه مربوط است، در آیه ۱۲۹ این ارتباط دیده نمی‌شود. باین‌حال استنادات مکرری به این آیات در موضوع نفقه وجود دارد. غالب این استنادات از سوی کسانی بوده که آیات را دال بر عدم لزوم رعایت مساوات درباره حق نفقه دانسته‌اند؛ از این‌رو این سؤال قابل طرح است که میزان دلالت هر یک از این آیات بر موضوع نفقه و حق قسم چگونه است و فتاوی بعضاً متعارضی که به این آیات مستند شده‌اند، با توجه به این آیات چگونه ارزیابی می‌شوند؟

موضوع دیگر آنکه برخی از فقها که قائل به عدم ارتباط آیه ۱۲۹ با موضوع نفقه و حق قسم هستند، به مباحث تفسیری پیرامون این آیه ورود پیدا کرده‌اند که بررسی آراء ایشان، اختلافاتی را بین دیدگاه‌هایشان نشان می‌دهد. در این مقاله به مناسبت طرح این مباحث در کتب فقهی به این موضوع ورود پیدا کرده‌ایم. ممکن نبودن مساوات در برقراری محبت قلبی و ممکن نبودن مساوات در ابراز محبت و میل به نزدیکی، آرائی هستند که در این زمینه ابراز شده‌اند. این سؤال مطرح است که در صورت عدم ارتباط این آیه با موضوع نفقه و حق قسم، کدام یک از این دیدگاه‌ها قابل دفاع هستند و تفسیر صحیح آیه چیست؟

تأکید بر این مهم لازم است که در این پژوهش اختلاف فتاوا و ادله هریک و ترجیح فتاوا در موضوع حقوق زنان در خانواده چند همسری بررسی نمی‌شود که این مهم مجالی گسترده‌تر می‌طلبد؛ بلکه تنها نحوه استنادات فقها به آیات قرآن نقد و بررسی شده است.

پیشینه

در آثار متعددی به موضوع عدالت میان همسران توجه شده است. غیر از کتب مبسوط فقهی، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز در این باره نگاشته شده است؛ از آن جمله:

الف - مقاله سید ابوالقاسم نقیبی (۱۳۸۷) با عنوان «تعهد به اجرای عدالت بین همسران؛ التزام حقوقی یا اخلاقی»: نویسنده در این مقاله ضمن تفسیر آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، در عین تأکید بر عدالت، عدالت در مودت را ناممکن دانسته است. سپس با تفکیک میان مصادیق مختلف حقوق زنان، اجرای عدالت در موضوع نفقه و اوقات معاشرت را در توان مرد و یک الزام حقوقی دانسته، که در صورت استنکاف زوج، قابل پیگیری است؛ اما عدالت واقعی در محبت قلبی را امری ناممکن دانسته، و عدالت در این امور را نوعی تعهد اخلاقی در تلاش برای توسعه علاقه به همسران شمرده است که قابل پیگیری حقوقی نیست. مقاله مذکور عدالت را به معنی مساوات دانسته است. تفاوت مقاله حاضر با مقاله یادشده در این است که در اینجا نویسنده می‌کوشد درباره هر آیه عدالت را با توجه به شواهد موجود در آیه معنا کند و به بررسی و نقد استنادات متفاوت فقهای شیعه به این آیات بپردازد، درحالی که در مقاله نقیبی به این نکات پرداخته نشده است.

ب - مقاله مسعود امامی (۱۳۹۲) با عنوان «رعایت عدالت در تعدد زوجات»: نویسنده در این مقاله تأکید می‌کند غالب فقها، عدالت در فقه و آیه ۳ سوره نساء را به معنی مساوات می‌دانند و تنها مصداق واجب آن را مساوات در حق قسم می‌دانند. سپس امامی در مقام نقد این استدلال، با تحلیل لغوی عدالت، آن را به معنی میانه‌روی و دوری از ستم گرفته، و آن را شامل همه حقوق زنان دانسته است. وی در مقام بیان ارتباط آیه با آیه ۱۲۹، آیه اخیر را نوعی تخفیف در اجرای عدالت متناسب با توان مردان دانسته است. در مقاله یادشده، شواهدی که دلالت کند

مراد از عدالت در آیه ۳ به صورت مشخص درباره نفقه است، لحاظ نشده است. همچنین شواهدی که دلالت کند دو آیه ۳ و ۱۲۹ هیچ یک ارتباط روشنی با موضوع حق قسم ندارد، اقامه نشده است. از سوی دیگر آراء فقها درباره دلالت آیه ۱۲۹ بر محبت یا ابراز مودت بررسی نشده است. در مقاله حاضر به موضوعات اخیر پرداخته شده است. در برخی از نگارش‌ها، به صورت خاص موضوع حق قسم (تقسیم شب‌ها بین همسران) مورد توجه قرار گرفته است. ج - مقاله «جایگاه حق قسم در تحکیم کیان خانواده»، نوشته کبری پورعبدالله و صدیقه محمد حسنی (۱۳۹۶): در این مقاله نویسندگان فواید مترتب بر حکمت تشریح حق قسم همچون استیناس و آرامش زوجین را بر شمرده‌اند. سپس برخی از احکام آن همچون عدم تأثیر بیماری زوجین در اجرای این حق را مطرح کرده‌اند. در ادامه به برخی خلأهای قانونی همچون لزوم جرم‌انگاری امتناع زوج از اجرای حق قسم زوجه پرداخته‌اند. در این مقاله گرچه اشاره مختصری به موضوع عدالت در سوره نساء شده است، اما اساساً نویسنده در صدد اثبات حق قسم با استناد به آیات سوره نساء و بیان فتاوی فقها در این جهت نیست. مقاله پیش‌رو عهده‌دار آن است که ارتباط آیات ۳ و ۱۲۹ را با موضوع حق قسم روشن کند و به نقد و بررسی فتاوی موجود در این زمینه بپردازد.

د - «پژوهشی فقهی در مسائل حق قسم (مضاجعه)»: محمد علی قادری (۱۴۰۰ ش) در این مقاله از جنبه‌های مختلف به موضوع حق قسم پرداخته است. از جمله اینکه حق قسم به زوجه واحد تعلق نمی‌گیرد، این حق در متعه وجود ندارد، به عنوان یک حق قابل انتقال و فروش است و احتیاط واجب رعایت مساوات در این حق است. برای اثبات مورد اخیر به آیه ۳ سوره نساء استناد شده است. تفاوت مقاله پیش‌رو با این مقاله آن است که در مقاله پیش‌رو نویسنده در صدد ارائه شواهدی است که نشان دهد آیه ۳ مشخصاً درباره حق نفقه است و ارتباط روشنی با موضوع حق قسم ندارد.

ه - سید مهدی نقیبی و صدیقه محمد حسنی (۱۴۰۰ ش) در مقاله «نقد و بررسی تعریف حق قسم در آرای فقهای امامیه» به ماهیت «قسم» به مثابه یک حق که قابلیت انتقال دارد، توجه

کرده، و پس از بیان احکامی همچون عدم وجوب نزدیکی در اجرای حق قسم و کیفیت اجرای آن، به تعاریف مختلف «حق قسم» پرداخته‌اند. آنان پس از ذکر فواید حق قسم، برخی موارد قانونی مرتبط با آن را بررسی کرده‌اند. تفاوت مقاله پیش‌رو با مقاله پیش‌گفته آن است که مقاله حاضر جنبه حقوقی ندارد؛ اما در بعد قرآنی دلالت آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء را بر فتاوی مستند به آن‌ها ارزیابی کرده است.

درباره موضوع عدالت بین همسران، پایان‌نامه‌های فقهی متعددی نیز به نگارش درآمده است که از آن جمله باید به آثار ذیل اشاره کرد:

الف - طاهره خواجه‌کلایی (۱۳۸۶) در فصل چهارم پایان‌نامه خود با عنوان چالش‌های تفسیری در آیات مربوط به زنان (آیه ضرب و عدالت در تعدد زوجات) به موضوع آیات عدالت پرداخته است. نویسنده عدالت را در آیه ۳ به معنای مساوات، و دلالت آن را عام و شامل موارد غیر از نفقه دانسته، و سیاق درونی آیه را بررسی نکرده، و به آراء فقهی و استناد فقها به آیات پرداخته است. در مقاله پیش‌رو ضمن توجه به سیاق درونی و بیرونی آیه به تفسیر عدالت در آیه ۳ پرداخته شده است. همچنین بررسی آراء فقهی و استنادات فقها به آیات مبنای کار بوده است.

ب - عالیہ‌سادات میرحسینی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل ماهوی عدالت در تعدد زوجات در فقه و حقوق ایران با تأکید بر دیدگاه قرآنی، به سابقه تاریخی تعدد زوجات، ادله مشروعیت آن، سنت معصومین علیهم السلام در این موضوع و تبیین برخی از موارد حقوقی آن پرداخته، و درباره اهمیت حق قسم در تحکیم خانواده توضیحاتی داده، و به صورت گذرا به موضوع عدالت در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء پرداخته است؛ اما بررسی ارتباط این آیات با آراء فقهی مستند به آن‌ها مدنظر نویسنده نبوده است. در مقاله حاضر به این امر پرداخته شده است.

ج - نرگس زهری (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با عنوان تبیین تأثیر عدالت در تعدد زوجات، درباره شرایط تعدد زوجات در فقه و حقوق سخن گفته و یکی از این شرایط را اجرای عدالت بین همسران برشمرده شده است. در قسمتی از پایان‌نامه، نویسنده در تفسیر آیات ۳ و ۱۲۹

سوره نساء در پرتو روایات، عدالت را به دو قسم تقسیم کرده است: عدالت ظاهری، باطنی. عدالت ظاهری به معنای پرداخت نفقه و رعایت حق قسم و عدالت باطنی به معنی عدالت در علاقه قلبی است که خارج از توان مرد است. تفاوت پایان نامه مذکور با اثر پیش‌رو آن است که اولاً در آن پایان‌نامه عدالت به معنی مساوات از عدالت به معنی ادای حق واجب تفکیک نشده است؛ ثانیاً آراء فقهی مستند به آیات، نقد و بررسی نشده است؛ ثالثاً تفسیر قابل قبولی از مفهوم عدالت ناممکن در آیه ۱۲۹ ارائه نشده است. اثر پیش‌رو حاوی موارد پیش‌گفته است.

د - سیده فاطمه کریمی (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی شرط عدالت در ازدواج مجدد از منظر فقه امامیه و حقوق ایران، به پیشینه، دلایل جواز، احکام فقهی و حقوقی چند همسری پرداخته است و سپس به تبیین جایگاه عدالت میان همسران و ملاک تشخیص آن به لحاظ حقوقی توجه کرده است. مشخصاً در این پایان‌نامه تبیین قرآنی عدالت و بررسی استنادات فقهی براساس آن، مدنظر نویسنده نبوده است. در حالی که اساس کار در مقاله پیش‌رو، بررسی مستندات فقهی بر پایه آیات قرآن است.

۱. واژه شناسی

الف - عدالت: در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، مصدر «عدل» به کار رفته است. برخی از لغت‌شناسان عدل را به معنای مساوات دانسته‌اند. راغب اصفهانی «عدالت» را لفظی دانسته است که اقتضای مساوات و برابری دارد (۱۴۱۲ ق، ص ۵۵۱، همچنین نک: طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۲۱). برخی نیز عدالت را به معنای میانه‌روی در امور و مقابل جور دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۲۴۷؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۶)؛ یکی از مواضع اختلاف فتاوا نیز آن است که برخی، عدالت میان همسران را به معنای مساوات (صدر، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص ۱۶۴-۱۶۶) و برخی ادای حق واجب همه همسران و خودداری از ستم در حق هر یک از آنها دانسته‌اند (امامی، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

ب - قسط: عدالت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۳۷۷؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۶)، بهره عادلانه (عسکری، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۶۰).

ج - عول: ستم در حکم (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ م، ج ۲، ص ۲۴۸)، ستم و انحراف از حق (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۶۹) ترک کردن نصف با گرفتن قسمت بیشتر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۵۹۷).

د - میل: عدول از وسط به یک طرف. در جور و ستم به کار می رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۷۸۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۷۶؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۲۵).

ه - معلقه: اسم مفعول از مصدر تعلیق است، به معنای زنی که نه شوهر دارد و نه مطلقه است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۱۷). زنی که نه همسرش به او نفقه می دهد و نه طلاقش می دهد؛ بنابراین نه مجرد است و نه شوهر دارد (ازهری، ۲۰۰۱ م، ج ۱، ص ۱۶۲).

۲. عدالت در آیه ۳ سوره نساء

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»؛ یعنی: «و اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان (ازدواج با دختران یتیم) عدل را مراعات نکنید، پس آن کس از زنان را به نکاح خود درآورید که شما را نیکو (و مناسب با عدالت) است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که (چون زنان متعدّد گیرید) راه عدالت نیموده، به آنها ستم می کنید، پس تنها یک زن اختیار کنید و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفاء کنید، که این به عدالت و ترک ستمکاری نزدیک تر است».

۲-۱. شأن نزول و سیاق

در شأن نزول این آیه آرائی چند ذکر شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:
الف - آیه درباره ازدواج سرپرستان یتیمان با آنان است. در این آیه به سرپرستان یتیمان گفته شده است: اگر می ترسید در صورت ازدواج با دختران یتیم، درباره مهریه آنان عدالت را رعایت نکنید، با زنان دیگر ازدواج کنید. همان گونه که از عدم رعایت عدالت درباره یتیمان بیم دارید، از عدم رعایت عدالت بین زنان نیز بترسید و بیش از چهار زن را به همسری خود نگیرید و

در صورت بیم از عدم رعایت عدالت میان آن‌ها به یک زن اکتفا کنید (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱-۱۲).

ب - آیه جهت تشویق به ازدواج به جای زنا نازل شده است. آیه می فرماید: همان گونه که از سرپرستی یتیمان و خوردن اموال آنان بیم دارید، از زنا هم دوری کنید و با زنان ازدواج کنید (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۱۸).

ج - اگر می ترسید درباره یتیمی که در خانه شما پرورش یافته است، عدالت را رعایت نکنید، با دو یا سه یا چهار نفر از یتیمان خویشاوندانان ازدواج کنید.

د - همان گونه که از خوردن مال یتیمان دوری می کنید، از ازدواج‌های متعدد و رعایت نکردن عدالت بین زنان نیز بترسید و به تعدادی ازدواج کنید که از جور و ستم در امان باشید (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱).

نگاهی به غالب شأن نزول‌هایی که برای آیه ذکر شده است (به صورت مشخص مورد ۱، ۳ و نشان می دهد قسمت اول آیه درباره رعایت عدالت مالی در مورد دختران یتیم است. توجه به محتوای آیه ۲ نیز، حاکی از دلالت آیه ۳ بر رعایت عدالت مالی است. در آیه ۲ آمده است: «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَيْثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»؛ یعنی: «و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید، و [مال] پاک و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید؛ و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است» (فولادوند، ۱۴۱۸ ق).

قسمت اول آیه درباره رعایت عدالت مالی در مورد دختران یتیم است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ» در بخش دوم آیه درباره لزوم رعایت عدالت بین همسران سخن گفته شده است: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»؛ یعنی: «در صورت ترس از عدم رعایت عدالت، به یک همسر بسنده کنید». بر مبنای وحدت سیاق، مراد از عدالت میان همسران نیز، رعایت عدالت مالی بین آنان است. روایتی از امام صادق (ع) که عدالت را در آیه ۳ این سوره به معنای عدالت در پرداخت

نفقه دانسته، تصدیق‌کننده این برداشت است (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۰، ص ۶۷۴). عدالتی که در این آیه درباره آن سخن گفته شده است، در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که مردان مأمورند در صورت ترس از عدم‌رعایت این عدالت، به یک همسر اکتفا کنند.

۲-۲. دیدگاه فقها درباره عدالت در پرداخت نفقه در این آیه

در حد جست‌وجوی نگارنده، در بین فقها کسی قائل به لزوم رعایت مساوات در پرداخت نفقه به همسران نیست؛ بلکه کسانی که عدالت را در این آیه مربوط به پرداخت نفقه دانسته‌اند، عدالت را به معنی رعایت حقوق واجب مالی هر یک از همسران دانسته‌اند، نه رعایت مساوات در پرداخت نفقه. به عبارت دیگر مرد با ازدواج مجدد موظف است حقوق واجب مالی همه همسرانش را اعم از خوراک و پوشاک و مسکن و وسایل ضروری تأمین کند؛ اما زائد بر حقوق واجب، اگر خواست می‌تواند به یکی بیشتر نفقه دهد (نراقی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۳۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۴، ص ۷۵۲۶).

براساس دیدگاه مشهور فقها، معیار تعیین‌کننده در میزان نفقه، شأن زن است. شأن به معنای موقعیت اجتماعی زن به لحاظ وضع خانوادگی، جایگاه شغلی و اوصاف شخصی مانند تحصیلات و غیره است (نیازی، و رمضانی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳). برخی معتقدند مراد از شأن زن اعم از شأن خانوادگی پدری، شأن اجتماعی مستقل خود زن و شأن خانوادگی کنونی او است (آیت‌اللهی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰).

شیخ طوسی در موضوع استخدام خادم برای زن این نظر را ابراز داشته است که اگر زن سابقاً خدمتکار داشته است، لازم است برای او خدمتکار گرفته شود (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۶، ص ۷). همچنین بسیاری از فقها بر رعایت شأن زن در مصادیق مختلف نفقه تأکید کرده‌اند.^۱ این فتوا که رعایت مساوات بین همسران در نفقه واجب نیست، مبتنی بر تفاوت شأن زنان است.

۱. با عباراتی نظیر «علي قدر الزوجة» (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۵۴) و «تبعاً لعادة أمثالها» (شهید اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۹۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۲۱۹؛ مغنیه، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۳۹۲؛ کاظمی، و اسدی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۴۵۵).

درباره عدم وجوب رعایت مساوات در پرداخت نفقه، دلایل نقلی و عقلی متعددی اقامه شده است؛ از جمله دلایل نقلی باید به روایتی از امام کاظم (ع) اشاره کرد. براساس این روایت، از امام کاظم (ع) درباره مردی که دو زن دارد، سؤال شد که می‌خواهد یکی از آنها را در لباس و بخشش به دیگری ترجیح دهد. می‌تواند این کار را انجام دهد؟ فرمود: اشکال ندارد؛ اما باید در برقراری عدل بین آن دو تلاش کند.^۱

دلیل عقلی‌ای که در موضوع جواز تفاوت در نفقه اقامه شده است، تفاوت نیاز به نفقه در بین همسران مختلف است؛ برای مثال اگر مردی دو همسر دارد که یکی از آن دو دارای رتبه بالای اجتماعی است و دیگری رتبه پایینی دارد، برای او واجب نیست که برای دومی به اندازه اولی هزینه کند. همچنین اگر یکی از همسران مرد، بیمار باشد و نیاز به هزینه بیشتری داشته باشد (صدر، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص ۱۶۵).

دقت در سیاق نیز بیانگر آن است که در اینجا مراد از عدالت، مساوات نیست؛ چراکه بخش اول آیه درباره رعایت عدالت مالی درباره دختران یتیم است. پرواضح است مراد از این عدالت، برقراری مساوات بین آنها در پرداخت‌های مالی نیست؛ بلکه لازم است حق هر یتیم، به اندازه خودش پرداخت شود.

آیت الله اراکی درباره روایت امام صادق (ع) که در جواب هشام، مراد از عدالت در آیه ۳ را عدالت مالی دانسته است، می‌گوید این روایت به دنبال اثبات وجوب یا استحباب رعایت عدالت در پرداخت نفقه نیست و دیگر اخبار، دال بر استحباب عدالت در نفقه است. ایشان معتقد است هدف امام، دفع اعتراض خصم به همان شکلی است که او بدان معترف است؛ یعنی هشام ممکن بودن رعایت عدالت مالی را درک می‌کرد و برایش پذیرفتنی بود (۱۴۱۹ ق، ص ۷۴۱).

۱. «أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن عبد الملك بن عتبة الهاشمي قال: سألت أبا الحسن عن الرجل يكون له امرأتان يريد أن يؤثر إحداهما بالكسوة والعطية يصلح ذلك؟ قال لا بأس بذلك واجتهد في العدل بينهما» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۴۲۲).

براساس این قول، آیت الله اراکی عدالت را به معنای مساوات بین زنان دانسته، و عدالت در این آیه و روایت تفسیری ناظر به آن را با توجه به قرائن دیگر، به معنای استحباب رعایت مساوات بین همسران دانسته است. ناگفته پیداست تأکیدی که در این آیه بر رعایت عدالت وجود دارد، به طوری که مردان را در صورت عدم رعایت عدالت، ملزم به ترک تعدد زوجات کرده است، فراتر از بحث استحباب است. نظر به دلایل عقلی و نقلی اقامه شده، باید گفت عدالت به معنای رعایت مساوات بین همسران در پرداخت نفقه، واجب نیست؛ اما عدالت به معنی پرداخت حق واجب همه زنان اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و مایحتاج زندگی در حد شئون زن (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۲) واجب قطعی است. از آیه فهمیده می شود مردی که نتواند مایحتاج زندگی چند زن را برآورده کند، لازم است از ازدواج مجدد خودداری کند. هر چند به فتوای برخی از فقها اصل ازدواج و استمتاع بدون رعایت عدالت حرام نیست و در هر صورت عقد منعقد می شود (یزدی، محمد، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۱۸)؛ اما مسلماً در این صورت ازدواج مجدد مقدمه حرامی است که عبارت است از عدم رعایت عدالت.

۲-۳. دیدگاه فقها درباره دلالت آیه بر عدالت در تقسیم شبها

برخی از فقها مراد از عدالت را در این آیه رعایت مساوات میان همسران در تقسیم شبها دانسته اند و تنها مصداق عدالت واجب را همین دانسته اند (صدر، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص ۱۶۴-۱۶۶). برخی از فقها ظهور آیه را دال بر این دانسته اند که همان گونه که کنیز (ملک یمین) حق قسم ندارد، زوجه واحده هم حق قسم ندارد؛ چراکه آیه می گوید: اگر می ترسید عدالت پیشه نکنید، یک زن بگیرید یا به کنیزانتان اکتفا کنید (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹ ق، ص ۵۹). برعکس برخی فقها احتمال دلالت آیه بر لزوم رعایت حق مضاجعت درباره یک همسر را مطرح می کنند. بنا بر این احتمال، آیه دلالت بر این دارد که ازدواج با یک همسر برای رعایت حق واجب زنان در زمینه مضاجعت (یک شب از چهار شب) بهتر است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۴، ص ۷۵۲۶-۷۵۲۷).

درباره این استنادات باید گفت: اولاً از سیاق (آیه قبل) و اسباب نزول، دلالت آیه بر لزوم

رعایت عدالت مالی در مورد دختران یتیم فهمیده می‌شود و با در نظر گرفتن پیوستگی عبارات آیه، قسمت دوم نیز، دلالت بر لزوم رعایت عدالت اقتصادی میان همسران می‌کند و سخنی از تقسیم شب‌ها نیست؛ ثانیاً با آنکه روایات متعددی از ائمه علیهم السلام درباره حق قسم وارد شده است (طوسی، ۱۴۰۷، ق، ج ۷، ص ۴۱۸)، در هیچ‌یک به آیه ۳ سوره نساء استناد نشده است و این خود قرینه‌ای است بر اینکه آن حضرات، موضوع آیه ۳ را متفاوت دانسته‌اند.

نقدهای جداگانه‌ای نیز، به برخی از این دیدگاه‌ها وارد است. درباره دیدگاه اول باید گفت: اگر فرضاً تطبیق این آیه بر حق قسم، صحیح باشد، عدالت در این آیه به معنای مساوات نیست. اگر به این معنا بود، در وهله اول باید از رعایت مساوات در پرداخت نفقه سخن گفت. در حالی که این موضوع به دلایل عقلی و نقلی منتفی است. درباره دیدگاه دوم باید گفت: اگر فرضاً تطبیق آیه بر حق قسم ممکن باشد، دلالت اولیه آیه لزوم برقراری عدالت به معنی رعایت حقوق واجب مالی همه همسران است. مسلماً این مفهوم از عدالت در ازدواج با یک همسر نیز وجود دارد. نمی‌توان در تطبیق، ملازمات آیه را نادیده گرفت. تطبیق آیه بر حق قسم، مستلزم آن است که این حق را در ازدواج با یک همسر نیز مطرح کنیم؛ در غیر این صورت تطبیق ناقص است و به تفسیر به رأی منجر خواهد شد. نتیجه آنکه ارتباط این آیه با موضوع حق قسم که در لسان بسیاری از فقها به انحاء مختلف تکرار شده است، با توجه به قراین درونی آیه و عدم ذکر این ارتباط در روایات و قابل نقد بودن تعدادی از این آراء، روشن نیست.

۳. عدالت در آیه ۱۲۹ سوره نساء

در آیه ۱۲۹ سوره نساء امکان رعایت عدالت کامل بین همسران منتفی دانسته شده است و از تکلیفی حداقلی در ادای حق زنان سخن به میان آمده است. غالب فقها عدالت را در این آیه به معنای مساوات دانسته‌اند و «لن تستطیعوا» را به معنی عدم امکان برقراری مساوات دانسته‌اند. حق مطلب نیز همین است. چراکه اگر برقراری عدالت به معنی ادای حق واجب هر یک از زنان، به‌طور کلی از توان مردان خارج بود، از ابتدا چندهمسری تشریح نمی‌شد. عبارت «بین النساء» نیز قرینه دیگری بر این معنا است. درباره مصداق این عدالت، دیدگاه‌های مختلفی ابراز

شده است که ذیلاً بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. عدالت مطلق

همان‌طور که گذشت، یکی از موضوعات مورد بحث میان علمای شیعه، لزوم یا عدم لزوم رعایت مساوات میان همسران متعدد است. در بین حقوق مختلف، این بحث درباره حق نفقه و بیتوته بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (برای بررسی تفصیل ادله در این قضیه، نک: نراقی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۳۷؛ اراکی، ۱۴۱۹ ق، ص ۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۴). عموم فقهای شیعه معتقدند رعایت مساوات بین زنان در هیچ‌کدام از شئون همسری از جمله نفقه و بیتوته واجب نیست (اراکي، ۱۴۱۹ ق، ص ۷۳؛ صدر، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص ۱۶۵). درباره ادله عدم وجوب مساوات در نفقه مواردی گذشت؛ اما درباره لازم نبودن رعایت مساوات در بیتوته به روایاتی استناد می‌شود.

براساس یکی از این روایات، فردی از امام صادق (ع) سؤال می‌کند کسی که دو زن دارد و یکی را بیش از دیگری دوست دارد، می‌تواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد؟ حضرت فرمود: بله. می‌تواند سه شب را نزد یکی باشد و یک شب را نزد دیگری؛ چراکه او می‌توانست چهار زن اختیار کند؛ بنابراین اکنون دو شب باقیمانده از آن خود اوست که هرکجا خواست بگذراند ... (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۴۱۹).^۱

البته با توجه به ورود روایات مخالف و در مقام جمع آن‌ها، غالب فقها حکم به استحباب مساوات درباره حقوق گوناگون زنان داده‌اند و بعضاً درباره لزوم رعایت مساوات احتیاط کرده‌اند (آل‌عصفور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۰؛ طباطبائی کربلائی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۲، ص ۹۰). برخی هم رعایت مساوات درباره حق قسم را واجب دانسته‌اند (آل‌عصفور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۹). لازم

۱. حُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): ... سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الْمَرَاتَانُ وَإِحْدَاهُمَا أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْأُخْرَى أَلَهُ أَنْ يُفَضِّلَهَا بِشَيْءٍ؟ قَالَ نَعَمْ لَهُ أَنْ يَأْتِيَهَا ثَلَاثَ لَيَالٍ وَالْأُخْرَى لَيْلَةً لِأَنَّهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ فَلَيْلَتِهِ يَجْعَلُهُمَا حَيْثُ شَاءَ... (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۴۱۹؛ همچنين نک: ابن بابويه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۴۲۸؛ طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص ۲۴۲).

به ذکر است در این بخش مقاله درصدد بررسی ادله این فتاوا و نفی و اثبات لزوم مساوات درباره حقوق بانوان نیستیم و تنها استناد فقها به آیات را بررسی می‌کنیم.

یکی از استنادات فقهایی که به عدم لزوم رعایت مساوات فتوا داده‌اند، قسمت دوم آیه ۱۲۹ سوره نساء است: «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا كَالْمُعَلَّقَةِ». از دیدگاه ایشان براساس این آیه مردان موظف‌اند از معلّق رهاکردن یکی از همسران خود خودداری کنند؛ اما مأمور به برقراری مساوات کامل هم نیستند. صاحب کتاب *مسالك الأفهام* می‌نویسد: «مساوات بین زنان در نفقه و حسن معاشرت و جماع و مقدمات آن واجب نیست، به دلیل این آیه (نساء/۱۲۹). این گرایش به یک سمت است؛ اما كُلَّ الْمِيلِ نیست» (نک: کاظمی، اسدی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۳۳۶).

همچنین آیت الله اراکی نوشته است: «درباره حق قسم از چهار شب، یک شب به هر کدام از زنان اختصاص دارد. کسی که دو زن دارد، سهم هر کدام یک شب است. دو شب دیگر می‌تواند زنی را که بیشتر دوست دارد، ترجیح دهد» (۱۴۱۹ ق، ص ۷۳). ایشان در ادامه برای اثبات این جواز به آیه ۱۲۹ سوره نساء استناد می‌کند (در این باره، نک: فاضل مقداد، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۲۱۶؛ طباطبائی کربلائی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۲، ص ۹۰؛ نراقی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۳۴).

در نقد این نوع استناد باید گفت: در ابتدای عبارت آیه «فاء تفریع» آمده است؛ یعنی این موضوع که تمام تمایل را متوجه یک سو نکنید، فرع بر عبارت قبل است که امکان رعایت کامل مساوات برای مردان وجود ندارد (وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَكُلَّ حَرَصْتُمْ). به عبارت دیگر، اصل بر اجرای کامل مساوات است؛ ولی حالا که در توان شما نیست، حداقل یک طرف را معلّقه نگذارید. بین حقوق مختلف زنان تفاوت وجود دارد و نمی‌توان همه حقوق را یکسان فرض کرد. آن حقی که رعایت مساوات درباره آن ممکن نیست، ابراز محبت و معاشقه و میل به آمیزش است؛ ولی مساوات در نفقه و تقسیم شب‌ها ممکن، و در توان مرد است؛ بنابراین نظر به اینکه قسمت اول آیه که امکان رعایت مساوات را نفی کرده است، ارتباطی به نفقه و حق قسم ندارد، از قسمت دوم هم که فرع بر قسمت اول است، نمی‌توان نتیجه‌گیری خاصی درباره جواز برقرار نکردن مساوات در نفقه و حق قسم داشت. نتیجتاً آنکه با استناد به این آیه

نمی‌توان توانایی مردان را در رعایت مساوات درباره همه حقوق زنان از جمله نفقه و بیتوته نفی کرد. توجه به این قرینه مهم نیز لازم است که با آنکه روایاتی درباره عدم وجوب مساوات در نفقه و بیتوته از معصومین علیهم السلام وارد شده است، اما در هیچ‌یک به این آیه استناد نشده است. همین موضوع بهترین دلیل در اثبات عدم ارتباط این آیه با حق نفقه و بیتوته است. ذکر این نکته لازم است که با وجود امکان برقراری مساوات در نفقه و بیتوته، براساس ادله نقلی و عقلی که در ذیل آیه ۳ گذشت، برقراری مساوات در نفقه واجب نیست و نقد و بررسی ادله درباره لزوم برقراری مساوات در بیتوته، خارج از موضوع این مقاله است.

۲-۳. تقیید عدالت به محبت قلبی

بسیاری از فقها، براساس روایتی از امام صادق (ع) مراد از عدالتی را که مردان قادر به رعایت آن نیستند، عدالت در برقراری محبت قلبی دانسته‌اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۴۷؛ آل‌عصفور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۰؛ صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۶۶).

براساس این روایت ابن ابی العوجاء از هشام بن حکم سؤال کرد: مگر نه این است که خدای تعالی حکیم است؟ هشام گفت: بله او از هر حکیمی، حکیم‌تر است، ابن ابی العوجاء گفت: اگر چنین است پس بگو ببینیم چگونه از یک‌طرف فرموده است: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»، مگر گرفتن دو زن و سه زن و چهار زن حکم شرعی او نیست؟ گفت: آری، پرسید: پس چرا با اینکه در این آیه می‌فرماید: اگر ترسیدید که نتوانید عدالت را برقرار کنید، فقط به یک زن اکتفاء کنید؟ در آیه‌ای دیگر فرموده است: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ؟» آن کدام حکیم است که این‌طور سخن بگوید، از یک‌طرف گرفتن زنان متعدد را برای کسانی که بتوانند عدالت را رعایت بکنند، تجویز کند و از سوی دیگر بگوید: اصلاً شما نمی‌توانید عدالت را برقرار سازید؟ هشام نتوانست جواب بدهد، ناگزیر به مدینه رفت و به حضور امام صادق (ع) شرفیاب شد. حضرت پرسید: چطور در غیر موسم حج به مدینه آمده‌ای؟ عرضه داشت: بله فدایت شوم مسئله مشکلی پیش آمد، ابن ابی العوجاء سؤالی از من کرد که در جوابش ماندم،

امام (ع) پرسید: آن سؤال چه بود؟ هشام قصه را باز گفت. امام صادق (ع) فرمود: آیه «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»، دربارهٔ نفقه است. خداوند می‌فرماید: اگر نمی‌توانید نفقهٔ چند همسر را به‌طور مساوی بدهید، به یک زن اکتفاء کنید. آیهٔ شریفه «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ»، دربارهٔ میل درونی و محبت به زنان است که هیچ‌کس نمی‌تواند محبت درونی خود را میان چند همسر به‌طور مساوی تقسیم کند. راوی می‌گوید: همین‌که هشام این جواب را برای ابن ابی العوجاء آورد، او گفت: به خدا سوگند این پاسخ از خودت نیست (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۰، ص ۶۷۴؛ موسوی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۷۳).^۱

براساس این روایت، امام (ع) برقراری عدالت را در «مودت» غیرممکن دانسته، و مراد از آیه «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ» را نیز همین نوع عدالت شمرده است. بسیاری از فقها، «مودت» را مساوی با حبّ قلبی دانسته‌اند و روایت را دالّ بر این دانسته‌اند که برقراری مساوات در محبت قلبی بین همسران ممکن نیست. آنچه در استناد به این روایت از آن غفلت شده است، آن است که مسلماً صرف محبت بیشتر به یک زن، سبب معلقه ماندن زن دیگر نمی‌شود. محبت امری قلبی و درونی است. چنانچه مردی یکی از همسران خود را بیش از دیگر همسرانش دوست داشته باشد، سبب بلا تکلیفی و معلقه ماندن همسران دیگرش نمی‌شود.

۳-۳. تقييد عدالت به ابراز محبت

دیدگاه برخی از فقها آن است که مراد از عدالت ناممکن در این آیه، عدالت در ابراز محبت است. آیت‌الله اراکی می‌نویسد: «مراد از «فَلَا تَمِيلُوا» آثار خارجی این محبت است و آثار محبت بین زوجها در امور مخصوصی است که بین آنها متداول است؛ اعم از: هم‌بستری، انس‌گیری

۱. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» يَعْنِي فِي التَّفَقُّهِ، وَأَمَا قَوْلُهُ: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ»؛ يَعْنِي فِي الْمَوْدَةِ (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۰، ص ۶۷۴).

و امثال این‌ها ...» (۱۴۱۹ ق، ص ۷۳۸). نویسنده فقه الصادق می‌نویسد: «مودّت قلبی از امور غیراختیاری است که نهی از آن صحیح نیست و آنچه نهی شده است، ترتیب اثر خارجی است» (روحانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۲، ص ۲۲۸؛ همچنین نک: مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۱۷؛ جزیری، غروی، و مازح، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ص ۳۰۹). قول دقیق همین است.

برای درک بهتر روایت امام صادق (ع)، لازم است در معنای لفظ «مودّت» بیشتر تأمل کنیم. لفظ «مودّت» که در حدیث امام صادق (ع) از آن یاد شده است، لفظی قرآنی است که بر علقه و روابط دوستانه میان همسران اطلاق شده است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱). مودّت به معنای دوست داشتن چیزی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۵۹)؛ اما از دیدگاه برخی از مفسران در سوره روم دوست داشتن صرف مطرح نیست. بلکه دوست داشتنی است که در عمل ظاهر شود. حسن بصری این واژه را کنایه از آمیزش دانسته است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۹، ص ۳۰۹۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۳۲ ق، ص ۲۳). همچنین این کلمه را به معنای محبتی دانسته‌اند که اثر آن در عمل ظاهر شود. علامه طباطبائی در ادامه می‌نویسد: «نسبت مودّت به حبّ همچون نسبت خشوع است به خشوع. خشوع در عمل ظاهر می‌شود؛ اما خشوع نوعی تأثر نفسانی است» (۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

بررسی آیه ۱۲۹ سوره نساء نیز خود اثبات‌کننده آن است که لفظ «مودّت» در تفسیر امام از آیه، به معنی محبت قلبی صرف نیست؛ چراکه در این آیه، پس از ذکر اینکه مردان از برقراری عدالت کامل میان زنان ناتوان هستند، دستور «فلا تمیلوا» صادر شده است. به حکم عقل «لا تمیلوا» تکلیف لایطاق نیست. درحالی‌که محبت قلبی بیشتر یا کمتر به زنان، خارج از حوزه اختیار مردان است؛ بنابراین مراد ترتیب‌اثر دادن به محبت است که تا حدی در اختیار آنان است. آنچه سبب معلّقه ماندن یک زن می‌شود، ترتیب‌اثر دادن افراطی به محبت قلبی است. ممکن است مرد به حسب وظیفه نزد زن بیتوته کند؛ اما از ابراز محبت و نزدیکی با وی خودداری کند و همه محبت خود را نثار دیگری یا دیگران کند. این است که سبب بلا تکلیفی زن می‌شود؛ بنابراین مراد از مودّت در این روایت تفسیری، اظهار محبت است.

یکی از مفسران در بیان جامعی از ممکن نبودن مساوات در ابراز محبت نوشته است: «برابر داشتن ایشان در جمیع حالات از مجامعت و معانقت و ملایمت و مجالست و تعظیم و تقبیل و محبت و غیر آن، و شک نیست که رعایت عدالت برین وجه میان ایشان متعذر است یا متعسر» (جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۴۷).

۱-۳-۳. دلایل صحّت تقیید عدالت به ابراز محبت

«فلن تستطیعوا...» اشاره به مودت است؛ یعنی آثار محبت قلبی. در نتیجه «فلاتمیلوا کلّ المیل» هم به این معنی است که مرد از نظر ابراز محبت و ارتباط جنسی با یک زن به طور کلی او را رها نکند. دلیل صحّت این معنا آن است که از سویی مرد توانایی برقراری عدالت در این موضوع را ندارد (لن تستطیعوا أن تعدلوا)؛ و از سوی دیگر، صحیح است که زن به دلیل ترک کامل این موضوع معلقه نامیده شود (فتذروها کالمعلّقة)، یعنی با هر دو عبارت آیه سازگار است. اگر بگوییم مراد از مودت «محبت قلبی» است، با عبارت دوم سازگار نیست و یک زن را به صرف محبت کمتر نمی توان معلقه دانست و اگر براساس دیدگاه رایج فقهی، «فلاتمیلوا کلّ المیل» را مجوزی برای عدم رعایت مساوات در تقسیم شبها بدانیم، با عبارت اول آیه که از عدالتی غیرممکن سخن گفته است، سازگار نیست، چراکه مساوات در تقسیم شبها ممکن است. آیت الله مصباح یزدی عبارت «لن تستطیعوا أن تعدلوا...» را به معنای محبت قلبی و آثار آن دانسته است؛ اما عبارت «فلاتمیلوا کلّ المیل» را به معنای رعایت نکردن حقوق قانونی زن دانسته است (۱۳۸۸، ج ۳، ص ۷۳). این تفسیر نوعی نادیده گرفتن سیاق و پیوستگی عبارت است.

محبت قلبی میان همسران به صورت گفتاری و رفتاری بروز می یابد؛ اما به صورت خاص در قالب رابطه جنسی نمود پیدا می کند. در روایات متعددی از صحابه و تابعین مراد از عدالت در این آیه، محبت و میل به آمیزش دانسته شده است (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۵، ص ۲۰۲). براساس این معنا، زنان در صورتی که از عشق بازی و آمیزش با همسران خود محروم شوند، حتی در صورت دریافت نفقه و مهریه و حق قسم، باز هم معلقه هستند.

ذکر این نکته لازم است که براساس قول مشهور فقها، حق واجب زن در میزان آمیزش، یکبار در هر چهار ماه است (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۵۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۱۹؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۳). برخی فقها تصریح کرده‌اند در صورتی که میل جنسی زن زیاد باشد و احتمال وقوع او در معصیت باشد، احتیاط واجب این است که پیش از پایان چهار ماه با او نزدیکی داشته باشد (یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۱۰)؛ اما حق مطلب آن است که بر مبنای دلالت عام آیه شریفه «وعاشروهن بالمعروف» در صورتی که زن تمایل به نزدیکی داشته باشد و مرد مشکلی در ارتباط نداشته باشد، اخلاق اسلامی اقتضا می‌کند مباشرت با وی را ترک نکند.

غیر از آیه ۱۲۹ سوره نساء، در آیات دیگری از قرآن کریم نیز زنان از بلا تکلیف رها شدن در مسائل جنسی نهی شده‌اند. این آیات می‌توانند قرینه‌ای بر این معنا باشند که مراد از معلقه در آیه ۱۲۹ نیز همین معنا است.

۲-۳-۳. نهی قرآن کریم از بلا تکلیف گذاشتن زنان در مسائل جنسی

آیات متعددی دلالت بر این موضوع دارند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف - آیات ۱ و ۲ سوره مجادله

«فَدَسَمِعَ اللهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللهِ وَاللهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ. الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نَسَأْتُهُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ» (مجادله، ۲). آیات از زنی سخن می‌گوید که شوهرش قسم یاد کرده است که با او نزدیکی نکند. از آنجاکه این زن، نه همچون زن مطلقه، برای ازدواج مجدد آمادگی دارد و نه همچون زن همسر دار است، قرآن با این رسم جاهلی مقابله کرده است.

ب - آیه ۲۳۱ سوره بقره

«وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُنْفَاخْنَ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

(بقره، ۲۳۱). در این آیه نیز از بلا تکلیف نگه داشتن زنان پس از اتمام زمان عده در خانه شوهران نهی شده، و این کار سبب زیان آنان و ظلم و تجاوز به آنان دانسته شده است.

ج - آیه ۲ سوره طلاق

«فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق، ۲). در این آیه هم دستور داده شده است پس از اتمام زمان عده یا باید به نیکی به زنان رجوع کرد یا به نیکی از آنها جدا شد و در هر صورت بلا تکلیف رها کردن زن ممنوع است.

نتیجه مطلب آن است که در آیه ۱۲۹ نساء، عدالت به معنی برقراری مساوات میان زنان در مودت و ابراز علاقه تکلیف لایطاق دانسته شده، و از مردان ساقط شده است؛ اما در عین حال به ادای حق واجب زنان در ارتباط زناشویی تأکید شده است. در این صورت عدالت به معنی ادای حق واجب محقق می شود؛ اما عدالت به معنی مساوات که در آیه نفی شده است، محقق نخواهد شد. همچنین با توجه به اینکه مودت شامل همه نوع ابراز عواطف است، در عین حال که بر ناممکن بودن رعایت مساوات در این مسائل تصریح شده، تأکید شده است که مردان هیچ کدام از همسرانشان را از ابراز محبت و مودت محروم نکنند.

۴. سخنی در ارتباط آیات با هم

در آیه اول به طور کلی از لزوم رعایت عدالت سخن به میان آمده، و بر آن تأکید شده است؛ اما موضوع عدالت خواسته شده در این آیه مجمل است. در آیه دوم عدالتی که در توان مرد نباشد، از شمول عدالت واجب، خارج شمرده شده است. با در نظر گرفتن دلالت آیه ۱۲۹ باید گفت در آیه ۳ سوره نساء نیز، مراد از عدالت خواسته شده، با همه تأکیدی که بر آن صورت گرفته است، عدالتی است که در توان مرد باشد. اگر بر اساس آیه ۳ برخی از مسلمانان تصور کرده باشند که عدالت به معنای رعایت مساوات است و این مساوات درباره همه حقوق زنان، حتی در محبت قلبی و آثار آن لازم است؛ با نزول آیه ۱۲۹ دریافته اند خداوند تکلیف لایطاق از آنان نخواسته است و رعایت چنین مساواتی بر آنها واجب نیست.

یافته‌های پژوهش

عدالت در میان همسران که در آیه ۳ سوره نساء تأکید شده است، با در نظر گرفتن سیاق درونی و بیرونی آیه، روایات شأن نزول، روایات تفسیری و فقهی و دلایل عقلی به معنای پرداخت حقوق واجب مالی هریک از همسران است؛ بنابراین نه دلالتی بر لزوم رعایت مساوات بین زنان دارد و نه شامل حقوق غیرمالی آنان است و استدلال برخی از فقها به این آیه در اثبات استحباب مساوات بین همسران یا رعایت حق قسم، وجهی ندارد.

به‌رغم استنادات متعدد برخی از فقها، ارتباط آیه ۳ با موضوع حق قسم، با توجه به قراین درونی آیه و عدم ذکر این ارتباط در روایات، و قابل نقد بودن تعدادی از این آراء، روشن نیست.

با توجه به اینکه قسمت آغازین آیه ۱۲۹، درباره عدالتی ناممکن سخن گفته است، استناد برخی از فقها به عبارت «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ» برای اثبات عدم وجوب رعایت مساوات بین زنان درباره حق قسم و نفقه خطاست؛ چراکه رعایت مساوات در این موارد در توان مردان است (هر چند واجب نباشد). استناد برخی از فقها به آیه ۱۲۹، در جهت اثبات واجب‌نبودن مساوات در محبت قلبی بین زنان، ناشی از بی‌توجهی به التزامات آیه است. با توجه به قرائن درونی آیه ۱۲۹ و روایت تبیین‌کننده آن، قول آن گروه از فقهای تأیید می‌شود که دلالت آیه را ناممکن‌بودن رعایت مساوات در ابراز محبت به زنان دانسته‌اند.

برخی از آیاتی که با توجه به نتیجه قبل بررسی شدند، نشان می‌دهند از دیدگاه قرآن کریم زنی که با همسرش در یک خانه زندگی می‌کند، اما از محبت و ارتباط جنسی با همسرش بی‌بهره است، معلقه است. قرآن کریم صریحاً از بی‌توجهی به این حقوق طبیعی زن نهی کرده است.

مردی که چند همسر دارد، لازم است حق واجب همه آن‌ها را در زمینه نفقه و بیتوته و آمیزش ادا کند. درباره نفقه، خوراک، پوشاک، مسکن، مایحتاج زندگی در حد شأن هر زن مصادیقی است که برای نفقه واجب ذکر شده است (نک: خمینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۳۰۲).

درباره بیتوته برخی قائل به وجوب مساوات هستند و برخی در این زمینه احتیاط کرده‌اند. حداقل مطلب آن است که مرد از هر ۴ شب، یک شب را نزد هر یک از همسرانش بیتوته کند. درباره آمیزش حداقل مقداری که گفته شده است ۱ بار در ۴ ماه است. مردی که قصد دارد بیش از یک همسر اختیار کند، لازم است دو شرط را در نظر داشته باشد: الف - به لحاظ نفقه و تقسیم شب‌ها و آمیزش باید عدالت را رعایت کند و حق واجب هر یک از همسران را ادا کند؛ ب - اگر ازدواج مجدد او، سبب بی‌مهتری و بی‌رغبتی کامل او به همسر اول می‌شود و نمی‌تواند به مضمون «فلا تمیلوا کل المیل» عمل کند، لازم است از ازدواج مجدد خودداری کند.

منابع

- قرآن کریم.
- آل‌عصفور، حسین بن محمد (بی‌تا). *الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع*. قم: مجمع البحوث العلمیه.
- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۷۹). نگاهی فقهی به ماده‌های قانونی نفقه زوجه. *نشریه فقه*، ۹ (۲۳)، ص ۹۳-۱۴۸.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*. ریاض: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر (۱۴۰۶ ق). *المهذب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اراکی، محمد علی (۱۴۱۹ ق). *کتاب النکاح*. قم: نور نگار.
- ازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱ م). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن*. قم: فاطمة الزهرا.
- امامی، مسعود (۱۳۹۲). رعایت عدالت در تعدد زوجات. *نشریه کاوشی نو در فقه اسلامی*، ۲۰ (۷۸)، ص ۴-۲۲.
- پورعبدالله، کبری؛ محمد حسنی، صدیقه (۱۳۹۶). جایگاه حق قسم در تحکیم کیان خانواده. *نشریه فقه و حقوق خانواده*، ۲۲ (۶۶).

- جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم (۱۳۶۲). آیات الأحكام. تهران: نوید.
- جزیری، عبد الرحمن؛ غروی، سید محمد؛ و مازح، یاسر (۱۴۱۹ ق). الفقه على المذاهب الأربعة ومذهب أهل البيت عليهم السلام. بيروت: دار الثقليين.
- حلی، نجم‌الدین جعفر بن زهدری (۱۴۲۸ ق). إيضاح ترددات الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). العین. قم: مؤسسة دار الهجرة.
- خمینی، روح‌الله (۱۴۲۵ ق). تحرير الوسيلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خواجه کلایی، طاهره (۱۳۸۶). چالش‌های تفسیری در آیات مربوط به زنان: آیه ضرب و عدالت در تعدد زوجات (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، قم، ایران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. بيروت: دار الشامیة.
- روحانی، محمد صادق (۱۴۱۲ ق). فقه الصادق علیه السلام. قم: دار الكتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
- زهري، نرگس (۱۳۹۷). تبیین تأثیر عدالت در تعدد زوجات (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده رفاه، تهران، ایران. سالار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴ ق). المراسم في الفقه الامامي. قم: منشورات الحرمین.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۹ ق). أحكام الاسرة (دلیل تحرير الوسيلة للإمام الخميني قدس سره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق). الدر المنثور في التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- شیرازی زنجانی، موسی (۱۴۱۹ ق). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ ق). اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية. بيروت: دار التراث - الدار الإسلامية.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۳۲ ق). الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن والسنة. قم: فرهنگ اسلامی.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰ ق). ماوراء الفقه. بيروت: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع.
- طباطبائی کربلایی، علی بن محمد علی (۱۴۱۸ ق). رياض المسائل في تحقیق الأحكام. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ ق). الميزان في تفسير القرآن. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البيان في تفسير القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). جامع البيان في تفسير القرآن (تفسیر الطبري). بيروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرين. تهران: مکتبه المرتضویة.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). *المبسوط في فقه الإمامية*. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ ق). *الاستبصار فيما اختلف من الأخبار*. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). *تهذيب الأحكام*. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبيان في تفسير القرآن*. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ ق). *الفروق في اللغة*. بيروت: دار الآفاق الجديدة.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ ق). *التنقيح الرائع لمختصر الشرائع*. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ ق). *کنز العرفان في فقه القرآن*. قم: انتشارات مرتضوی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). *كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۸ ق). *ترجمه قرآن*. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعی*. قم: منشورات دار الرضی.
- قادری، محمد علی (۱۴۰۰ ق). *پژوهشی فقهی در مسائل حق قسم*. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۴ (۴۲)، ص ۱۱۳-۱۲۲.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- کریمی، سیده فاطمه (۱۳۹۸). *بررسی شرط عدالت در ازدواج مجدد از منظر فقه امامیه و حقوق ایران*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر، بهشهر، ایران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق). *الکافی*. قم: دارالحديث.
- کاظمی، فاضل؛ و اسدی، جواد بن سعد (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- مصباح، محمد تقی (۱۳۸۸). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ ق). *الفقه على المذاهب الخمسة*. بيروت: دار التيار الجديد - دار الجواد.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). *المقنعة*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ق). *کتاب النکاح*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی، محمد باقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.
- میرحسینی، عالیہ سادات (۱۳۹۶). *تحلیل ماهوی عدالت در تعدد زوجات در فقه و حقوق ایران با تأکید بر دیدگاه قرآنی*. قم: مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۲ ق). *رسائل و مسائل*. قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد.

نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). تعهد به اجرای عدالت بین همسران. *التزام حقوقی یا اخلاقی*، ۴ (۱۶).
نقیبی، سید مهدی؛ و محمد حسنی، صدیقه (۱۴۰۰ ش). نقد و بررسی تعریف حق قسم در آرای فقهای امامیه.
نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۲ (۵۴).
نیازی، قدرت الله؛ رضانی، علی (۱۳۹۵). معیار نفقه زوجه. *نشریه فقه و حقوق خانواده*، ۲۱ (۶۵)، ص ۱۳۱-۱۴۷.

یزدی، محمد (۱۴۱۵ ق). *فقه القرآن*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (۱۴۰۹ ق). *العروة الوثقی*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.